

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۲۱ فبروری ۲۰۱۹

## جریان محکمه عیسی (ع)



قبل از همه باید گفت که در دین عیسویت مجموعاً چهار انجیل به رشته تحریر درآمده است که مسیحیان آن را به حضرت عیسی مسیح منسوب ساخته اند. همه انجیل اربعه از نام مؤلفان این انجیل گرفته شده اند. این انجیل عبارتند از: انجیل متا، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا

**انجیل مرقس:** این انجیل را دوست، همدم و شاگرد پطرس حواری گفته‌اند که گاه با پولس نیز همسفر می‌شده و روایت‌های خود را از پطرس گرفته است. این انجیل مختصرترین، انجیلی است که اصولاً به زبان رومی در سالهای ۶۵-۷۰ به رشته تحریر درآمده است. (کتاب القرآن والتوراة والانجیل والعلم، ص ۸۶، ۹۰)

**انجیل متا:** از جمله مفصلترین انجیل به شمار می‌رود و به متای حواری منسوب بوده که در سالهای

۵۰-۶۰ میلادی به رشته تحریر آورده شده است. اصلاً این انجیل به زبان عربی نوشته شده ولی اصل آن در دست نیست اما بعد ها به زبان یونانی ترجمه شده است.

**انجیل لوقا:** لوقا اصلاً حواری نبود و حتی او حضرت عیسی را اصلاً ندیده بود. او بیشترین مطالب انجیل را از انجیل مرقس و متا گرفته است. این انجیل در بین سالهای ۷۰-۹۰ و به احتمال قوی در بین سالهای ۸۰-۸۵ میلادی نوشته شده است. (انجیل سه گانه فوق به نام انجیل همنوا مشهور هستند).

**انجیل یوحنا:** انجیل یوحنا آخرین انجیل است که در تاریخ مسیحیت به رشته تحریر درآمده است. در مورد این که این انجیل به کدام تاریخ به رشته تحریر درآمده است، در بین علماء اختلاف است. برخی می‌گویند که تألیف آن در

سالهای ۶۵ میلادی صورت گرفته و برخی دیگری بدین عقیده اند که در بین سالهای ۹۰ - ۱۱۵ میلادی به رشته تحریر درآمده است .

در اینجا شایسته است که ذکر کنیم که انجیل یوحنا کاملاً متفاوت با اناجیل سه گانه بوده و مشتمل بر زندگی حضرت



عیسی علیه السلام و مفاهیم فلسفی یونان می باشد. قابل تذکر نیز است که هر چهار انجیل که در فوق از آن نام گرفته شد، داستان دستگیری، محاکمه و به صلیب کشیدن حضرت عیسی علیه اسلام را با اختلاف جزئی مطابق اعتقادات مسیحی روایت فرموده اند .

از جمله در انجیل مرقس می نویسند:

دو روز به عید فصح مانده بود. (عید فصح یا عید فطیر یا مصاها، عبارت از ایامی اند که یهودان یاد بود خروج بنی اسرائیل را از مصر و نجات از فرعون را عید می گیرند).

سران کاهنان و ملایان یهودی پلان را طرح ریزی کردند که: عیسی(علیه السلام) را مخفیانه دستگیر کنند و وی را به قتل برسانند. مذهب یون یهودی تأکید داشتند که این عمل نباید در روز های عید شان صورت گیرد زیرا این عمل آشوب های مذهبی را به بار خواهد آورد. به این ترتیب یهودان آن وقت هم قتل حضرت عیسی را پلان نمودند و هم می خواستند خود را از آشوب ها و قیام های مردمی نجات و محفوظ بدارند.



می گویند یکتن از یهودای اسخریوطی، که یکی از آن دوازده حواری بود، پیش سران کاهنان رفت تا عیسی را به آنان تسلیم نماید. آنان وقتی این را شنیدند تسلیم شدند و به او وعده پول دادند. یهودا به دنبال فرصتی بود تا عیسی را تسلیم کند... او هنوز صحبت می کرد که ناگهان یهودا، یکی از آن دوازده حواری، همراه با جمعیتی که همه با شمشیر و چماق مسلح بودند، از طرف سران کاهنان به آن جا رسیدند. تسلیم کننده او به آنان علامتی داده و گفته بود: «کسی که می بوسم همان شخص است او را بگیرید». پس همین که یهودا به آن جا رسید، فوراً پیش عیسی(علیه السلام) رفت و گفت: «ای استاد» و او را بوسید و آنها عیسی مسیح را گرفتند و

محکم بستند... سران کاهنان و تمام اعضای شورای یهود در صدد بودند که اسنادی علیه عیسی به دست آورند تا حکم



اعدامش را صادر کنند، اما مدرکی به دست نیاوردند. بسیاری علیه او شهادت نادرست دادند، اما شهادت هایشان با یکدیگر سازگار نبود... کاهن اعظم از او پرسید «آیا تو مسیح پسر خدای متبارک هستی؟».

عیسی گفت: «هستم؛ و تو پسر انسان را خواهی دید که در دست راست خدای قادر نشسته و بر ابرهای آسمان می آید.»

کاهن اعظم گریبان خود را چاک زد و گفت: «دیگر چه احتیاجی به شاهدان هست، شما این کفر را شنیدید. رأی شما چیست؟»

همه او را مستوجب اعدام دانستند... پیلطس دستور داد که وی را تازیانه زده، بسپارند تا مصلوب شود...

سربازان شخص را که به نام عیسای مسیح دستگیر کرده

بودند، بیرون بردند تا مصلوب کنند. آنان شخصی به نام شمعون اهل قیروان را مجبور کردند که صلیب عیسی را حمل کند. آنها عیسی را به محلی به نام «جُل جَتَّا» برده به او شرابی دادند که آمیخته به داروئی به نام مرّ بود، اما او آن را قبول نکرد، پس او را به صلیب میخ کوب کردند... ساعت ۹ صبح بود که او را مصلوب کردند... در وقت ظهر تاریکی تمام آن سرزمین را گرفت و تا سه ساعت ادامه داشت. در ساعت سه بعدازظهر عیسی با صدای بلند گفت: «ایلی ایلی لما سَبَقْتَنِي؛ خدای من خدای من چرا مرا ترك کردی؟»... عیسی فریاد بلندی کشید و جان داد ...



در آن جا عده ای از زنانی هم حضور داشتند که اوضاع را از دور مراقبت می نمودند و در بین آنها مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب کوچک دیده می شدند. این زنان وقتی عیسی در جلیل بود به او گرویدند و او را کمک می کردند. بسیاری از زنان دیگر نیز همراه او به اورشلیم آمده بودند. غروب همان روز، یوسف از اهل رامه که یکی از اعضای محترم شورای یهود بود، پیش پیلطس رفت و جسد عیسی (علیه السلام) را از او خواست. پیلطس باور نمی کرد که عیسی به این زودی مرده باشد. پس به دنبال سروانی که مأمور مصلوب کردن عیسی بود فرستاد و از او پرسید: «آیا او به همین زودی مرد؟» وقتی پیلطس از جانب سروان اطمینان یافت، به یوسف اجازه داد که جنازه را ببرد. یوسف کتان لطیفی خرید و جنازه عیسی را پائین آورد و در آن پیچید و او را در

مقبره ای که از سنگ تراشیده شده بود قرار داد و سنگی جلوی در آن غلتاند. مریم مجدلیه و مریم مادر شویا دیدند که عیسی کجا گذاشته شد.



پس از پایان روز سبت مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب و سالومه روغن های معطری خریدند تا بروند و بدن عیسی را تدهین نمایند. صبح زود روز یکشنبه، بر سر قبر رفتند. آنها به یکدیگر می گفتند: «چه کسی سنگ را برای ما از جلوی قبر خواهد غلتاند؟» وقتی خوب نگاه کردند، دیدند که سنگ بزرگ از جلوی قبر به عقب غلتانیده شده



است. پس به داخل مقبره رفتند و در آن جا مرد جوانی را دیدند که در طرف راست نشسته بود و لباس سفید بلندی در برداشت. آنها متحیر ماندند، اما او به آنان گفت: تعجب نکنید، شما عیسای ناصری مصلوب را می جوئید. او زنده شده و دیگر این جا نیست. نگاه کنید؛ این جا جایی است که او را گذاشته بودند. حالا بروید و به شاگردان او خصوصاً پطرس، بگوئید که او پیش از شما به جلیل خواهد رفت و همان طور که خودش به شما فرموده بود او را در آن جا خواهید دید. (انجیل مرقس، باب ۱۴ و ۱۵.)

این داستان منقول شده در انجیل مرقس، سه اناجیل دیگر با تفاوت هائی جزئی نقل کرده اند، در هر صورت برای تکمیل این داستان ها مراجعه فرمائید: (انجیل متی، باب ۲۶ و ۲۷؛ انجیل لوقا، باب ۲۲ و ۲۳؛ انجیل

یوحنا، باب ۱۸ و ۱۹).

### یادداشت دوانجیل در این بابت:



مطابق روایت انجیل متی (۲۶:۳۱) حضرت عیسی علیه السلام از گرفتاری خویش قبلاً اطلاع حاصل نموده بود، بناء شاگردان خویش را خواست و برای شان گفت: «همگی شما امشب بر من شک می‌ورزید» یعنی شما از باور و یقینتان برمی‌گردید و دیگر یقینی ندارید. ولی توجه باید کرد شک با انکار تفاوت آشکاری دارد؛ زیرا ممکن است انسان از روی خوف و ترس موضوعی را انکار کند که در دل به آن یقین دارد ولی شک یعنی بازگشت از یقین و در هنگام شک دیگر یقین معنا ندارد. اکنون سؤالی مطرح می‌شود که شاگردان مسیح در چه چیزی شک کرده‌اند؟ آیا در خود مسیح و یا هم در تعلیمات و یا این که او فرستاده الله است شک کردند؟ یا در راستی بعضی از خبرهایی که مسیح به آنها داده بود (مثل مرگ،

صلیب و...) تردید داشتند؟

قابل قبول نیست که شاگردان در خود مسیح و تعلیمات دینی اش شک کرده باشند؛ زیرا سنت مسیحی گواهی می‌دهد که ایشان تمام تلاش خود را برای انتشار عقاید مسیح به کار بستند و حتی برخی از ایشان در این را شکنجه شده و جان باختند پس تردید شاگردان نسبت به برخی خبرهایی بود که مسیح به آنها رسانده بود.

مؤرخین در این مسأله دو فرضیه را قابل بررسی می‌دانند:

۱- این که مسیح خبر دستگیری خود را توسط دشمنان به شاگردانش داده بود و گفته بود که خدا نقشه آنها را نقش بر آب کرده و او را از دست دشمنان نجات می‌دهد. چنان که قبل از این نیز (طبق روایت اناجیل) او را نجات داده بود.



۲- مسیح به آنها فقط خبر دستگیری و صلیب و قتل را داده باشد. در فرض دوم برای شاگردان جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نمی‌ماند؛ چون همانطور که مسیح خبر داده بود دستگیر شده و بر صلیب کشته شد. اگر فرضیه اول درست باشد برای شاگردان تردید و دو دلی ایجاد می‌شود؛ زیرا مسیح به آنها گفته بود که از دست دشمنان نجات می‌یابد ولی به ظاهر نجات نیافت پس حواریون در شک افتادند؛ هر چند پس از مدتی برای ایشان روشن شد که او کشته نشده و همانند گذشته از دست دشمنان نجات یافته است. (تفصیل این موضوع را در کتاب **الصحيح من انجيل المسيح** صفحه ۲۱۸ مطالعه فرمائید.)

**قرآن عظیم الشان و صلیب حضرت عیسی:**

### كنيسة الجلد Church of the Flagellation

The Church of the Flagellation was originally built by the Crusaders in the 12th century and was then deserted for many centuries. In 1838 it was purchased by the Franciscans and was opened again for worship due to the generous donations of Maximilian of Bavaria, as indicated by the plaque on the front of the Church. In 1929 the architect Antonio Barluzzi restored the Church, preserving its medieval style.

شُيِّدَت كَنِيسَةُ الْجِلْدِ عَلَى يَدِ الصَّلِيبِيِّينَ فِي الْقَرْنِ الثَّانِي عَشْرَ وَمِنْ ثَمَّ أَهْمِلَتْ لِقُرُونٍ عَدِيدَةٍ. فِي سَنَةِ ۱۸۳۸ حَصَلَ الْفَرَنْسِيْسِيَّانَ عَلَى مَلَكَتِيهَا وَفُتِحَتْ لِلْعِبَادَةِ بِوَسْطَةِ الْهَيْبَاتِ السَّخِيَّةِ الَّتِي قَدَّمَهَا مَاسِيْمِيلْيَانُو مِنْ بَاوَارِيَا، بِحَسَبِ الْكُتَابَةِ الْحَجَرِيَّةِ عَلَى الْوَاجِهَةِ. رَتَّمَهَا الْمُهَنْدِسُ الْمَعْمَارِيُّ أ. بَارْلُوْتْسِي سَنَةَ ۱۹۲۹ مَحَافِظًا عَلَى الْفَنِّ الْمَعْمَارِيِّ لِلْقُرُونِ الْوَسْطِيِّ.

فَأَخَذَ بِيْلَاطُسُ يَسُوعَ وَجَلَّدَهُ. ثُمَّ ضَفَرَ الْجُنُودُ إِكْلِيْلًا مِنْ شَوْكٍ وَوَضَعُوهُ عَلَى رَأْسِهِ، وَأَلْبَسُوهُ رِدَاءً أَرْجَوَانِيًّا، وَأَخَذُوا يَدُونَهُ مِنْهُ فَيَقُولُونَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَلِكَ الْيَهُودِ!» وَكَانُوا يَلْطِمُونَهُ. (إنجيل يوحنا ۱۹: ۱-۳).

### كنيسة الجلد Chiesa della Flagellazione

La chiesa della Flagellazione fu costruita originariamente dai crociati nel XII secolo e poi lasciata in abbandono per molti secoli. Nel 1838 fu acquistata dai francescani e riaperta al culto con le generose offerte di Massimiliano di Baviera, come attesta la lapide in facciata. L'arch. Antonio Barluzzi la restaurò nel 1929 mantenendone lo stile medievale.

«Allora Pilato fece prendere Gesù e lo fece flagellare. E i soldati, intrecciata una corona di spine, gliela posero sul capo e gli misero addosso un mantello di porpora. Poi gli si avvicinavano e dicevano: «Salve, re dei Giudei!». E gli davano schiaffi.» (Vangelo di Giovanni 19, 1-3)

قرآن عظیم الشان در آیات (۱۵۶-۱۵۷) سوره النساء به صورت مطلق صلیب شدن حضرت عیسی علیه السلام را رد و این داستان را ساختگی خوانده و حکم قرآن عظیم الشان را در مورد چنین بیان می‌فرماید:

«وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (سوره النساء: ۱۵۷ - ۱۵۸)

(در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند، ولیکن کار بر آنان مشتبه شد و (متردد گردیدند که آیا عیسی یا دیگری را کشته‌اند و در این باره با همدیگر اختلاف نظر پیدا کردند و) کسانی که درباره او اختلاف پیدا کردند (جملگی) راجع بدو در شک و گمانند و آگاهی بدان ندارند و تنها به گمان سخن می‌گویند و (باید بدانند که) یقیناً او را نکشته‌اند. بلکه خداوند او را (از دست آنان رها کند و پس از گذشت روزگاری که خود می‌داند، وی را میراند و) در پیش خود به مرتبه والاّی رساند. و خداوند چیره و حکیم است.)

پروردگار با عظمت ما در آیات فوق به ما خبر داده است که یهودی‌ها پیامبر او، یعنی عیسی علیه السلام را نکشته‌اند. هر چند مدعی هستند و نصاری نیز آن را پذیرفته‌اند. ولی واقعیت این است که عیسی علیه السلام کشته نشده و خداوند شخص دیگری را به شکل و شمایل او در آورده بود و عیسی را به آسمان‌ها بالا کشیده است.



پروردگار با عظمت ما در قرآن عظیم الشان به این مطلب اشاره فرموده است که عیسی بن مریم در آخر زمان از آسمان پایان آمده ، وحتی پائین آمدنش یکی از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت می باشد .ومی‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَعَلَّم لِّلسَّاعَةِ» (سوره الزخرف: ۶۱) (قطعاً وجود عیسی خبر از وقوع قیامت می‌دهد،) «وَإِنْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» (النساء: ۱۵۹) (و کسی از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگ خود (در آن دم که در آستانه مرگ قرار می‌گیرد و ارتباط او با این جهان ضعیف و با جهان بعد از مرگ قوی می‌گردد و پرده‌ها تا اندازه‌ای از برابر چشمش کنار می‌رود و بسیاری از حقائق را می‌بیند) به

عیسی ایمان می‌آورد (اما دیگر چه سود، فرصت از دست رفته است و ایمان و توبه ناپذیرفته است) و روز رستاخیز گواه بر آنان خواهد بود).

تفصیل این موضوع در احادیث چنین بیان گردیده است : رسول‌الله صلی الله علیه وسلم به ما خبر داده است ، زمانی که فتنه های دجال تشدید می گردد ، زمانی که که مسلمانان از این فتنه به تنگ می‌آیند، خداوند حضرت عیسی بن مریم را به طرف زمین می‌فرستند و او را نزدیک «مناره بیضاء» در جانب شرقی دمشق پایان می آورد . طبرانی در معجم کبیر از اوس بن اوس روایت کرده، می‌گوید: رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (يُنزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ شَرْقِيَّ دِمَشْقَ) (عیسی بن مریم نزد مناره بیضاء جانب شرقی دمشق فرود می‌آید). صحیح الجامع الصغیر (۸۰۲۵).

رسول‌الله صلی الله علیه وسلم حال او را موقع نازل شدن چنین در حدیثی که در سنن ابی داوود با سند صحیح از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده چنین بیان فرموده است :

«لَيْسَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ نَبِيٌّ يَعْنِي عِيسَى وَإِنَّهُ نَازِلٌ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَعْرِفُوهُ رَجُلٌ مَّرْبُوعٌ إِلَى الْحُمْرَةِ وَالْبَيْضَاءِ بَيْنَ مَمَصَّرَتَيْنِ كَأَنَّ رَأْسَهُ يَقْطُرُ وَإِنْ لَمْ يُصْبَهُ» (ابن ماجه، حاکم و جامع التفسیر: (۲۲۷/۶). (میان من و عیسی پیامبری نیست و یقیناً عیسی فرود می‌آید، هرگاه او را دیدید، باید او را بشناسید. او مردی است میان قد، مایل به سرخی و سفیدی است. چنان معلوم می‌شود که از موهای مبارکش آب می‌چکد هر چند که موهایش تر نشده‌اند).



## مدت اقامت عیسی (ع)

### بر روی زمین:

مدت زمان بقای حضرت عیسی علیه السلام بر روی زمین چهل سال معرفی شده است طوری که در حدیث صحیح آمده است: «فیمکت فی الأرض أربعین سنة، ثم یتوفی، فیصلی علیه المسلمون» (بر روی زمین چهل سال می ماند و سپس فوت می کند و مسلمانان بر وی نماز می خوانند). (صحیح الجامع: (۵۲۶۵).

حضرت عیسی علیه السلام در مدت این چهل سال بر حکم اسلام زندگی می کند. رو به قبله نماز می خواند. عیسی بن مریم زیارت خانه خدا را نیز انجام می دهد.

در حدیثی که در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَلِيَهُنَّ ابْنُ مَرْيَمَ بَفَجِّ الرُّوحَاءِ حَاجًا أَوْ مُعْتَمِرًا، أَوْ لِيُثْنِيَهُمَا» (سوگند به ذات یگانه خداوند که جان من در قبضه قدرت او است، حضرت عیسی برای حج یا عمره و یا برای هر دو در مسیر روحاء احرام می بندد). صحیح الجامع الصغیر (۶۹۵۵).

روحاء میان مدینه و وادی الصغراء نام جایی است بر سر راه مکه از مدینه و بنابر اقوال مختلف در فاصله چهل مایلی یا ۳۶ مایلی یا ۳۰ مایلی مکه قرار دارد. (لوامع انوار البهیة: (۱۱۳/۲).

و ما علینا الا البلاغ المبین

جنوری ۲۰۱۹

شهر بیت لحم - فلسطین